

## بررسی چهارچوب نظری فضای شهری و تاثیرات نیروهای موجود در شکل گیری شهر (بانگرش زیبا شناختی)

احد نژاد ابراهیمی<sup>۱</sup>، امیر حسین فرشچیان<sup>۲</sup>، پیمان خوشرخ<sup>۳\*</sup>

۱- استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- دانشجوی دکتری تخصصی معماری اسلامی دانشکده معماری

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه ایرانمهر قروه

k.peyman081@gmail.com

### چکیده

فضای شهری به عنوان یکی از ارکان هویت ساز شهرهای ایرانی در طول سالیان متمادی تحت تاثیر آموزه ها و الگوهای فکری و هنری اسلام شکل گرفته و تحت تاثیر نیروهای مختلفی از قبیل زمان-اداری-اقتصادی-سیاسی و نیروی اجتماعی بوده لیکن در عصر حاضر با تغییر و تحول در عرصه ی معماری و شهرسازی فرایند طراحی و خلق فضای شهری به افول گراییده و نقشی معیوب از هویت معماری ایرانی-اسلامی را تبیین می نماید. موضوع این مقاله بیان چهارچوب نظری فضای شهری و تاثیرات نیروهای موجود در شکل گیری شهر (بانگرش زیبا شناختی). این چارچوب مارا در تحلیل و شناخت فضاهای شهری یاری میرساند. بی توجهی به اصول طراحی و عدم تطابق اصول و معیارها با شرایط فرهنگی روزبخشی از مساله این مقاله است. می توان عنوان نمود که برای دسترسی به فضای شهری با کیفیت باید امکان تعامل نیروها در حد بیشینه فراهم گردد از سوی دیگر فضای شهر توسعه یافته و آن را به مثابه عرصه ای عمومی-اجتماعی- فرهنگی و کالبدی معرفی می کند که نه فقط می بایست واجد ویژگی های زیبایی شناختی باشد بلکه باید به عنوان فضای شهری بستر حیات مدنی شهر باشد. به این ترتیب فضای شهری نه تنها با فرم بلکه با محتوایش کامل می گردد.

واژگان کلیدی: فضای شهری، مکان، نیروهای اجتماعی و فرهنگی، زیبا شناختی

### مقدمه

از آن جا که پیدایش شهرها و آغاز شهرسازی و شهرنشینی با نیاز با جمع و در جمع بودن و در یک کلام، اجتماعی بودن انسان ها رابطه ی تنگاتنگ دارد، و از سوی دیگر این روابط برای شکل گیری و تعامل پذیری نیاز به فضاهایی مخصوص به خود دارد، فضای شهری محل ظهور و تجلی روابط اجتماعی انسان ها در طول تاریخ بوده و حتی نوع و کیفیت فضاهای شهری کاملاً در تجلی این روابط مؤثر واقع می گردیده است. بنابراین، یکی از مهم ترین عناصر بافت شهری، فضای شهری است که در طول زمان و هم زمان با تاریخ ملت ها شکل گرفته و همواره در حال تحول بوده است. در واقع، فضای شهری مرکز فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهرها بوده و گاه چنان با حیات جوامع انسانی عجین بوده است که خود آن فضای شهری به عنوان بخشی از تاریخ آن ملت ها و جوامع قلمداد می شود و گاهی حتی آن فضای شهری به نماد و نشانه ی آن شهر و حتی آن ملت تبدیل شده است. این مسأله نشان دهنده ی اهمیت فضای شهری در زندگی و حیات مادی و معنوی جوامع در طول تاریخ می باشد (طغیان، ۱۳۸۸). مرور تاریخی رشد شهر طی دوره های گوناگون می تواند منجر به دریافت اطلاعات جامعی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در تمام

دوره ها باشد. فضاهای شهری، در تاریخ شهر و شهرسازی ایران و به ویژه بعد از ورود اسلام به این کشور، دارای هویت و اعتبار خاصی بوده و همواره متأثر از فرهنگ و تمدن غنی ایران و اسلام بوده است. از همین رو، این مقاله ضمن بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از فضای شهری، زیبایی شناسی، بررسی و تحلیل نیروهای موثر بر تحولات شهری ارائه شده و دامنه و حوزه اثرگذاری آن می پردازد. در پایان نیز نتایج مطالعات انجام گرفته ارائه می گردد.

## مفهوم فضای شهری و نظریه ها

موضوع فضای شهری و تولید آن در تاریخ اندیشه شهرسازی سابقه طولانی دارد و عمر آن تقریباً به عهد باستان می رسد. مطالعه تاریخ فضاهای شهری نشان می دهد این موضوع در عهد باستان به عنوان محصولی زیباشناختی هیچگاه از مقصودی که این فضاها در جهت آن ساخته می شدند جدا نبوده است و شهر همان قدر یک اثر هنری اندیشیده شده بود که امری عملکردی. از اواخر قرن هجدهم مفهوم فضای شهری دگرگون شد و گسستی بین شکل ساخته شده از عمل انسانی در بین معماران رواج یافت (پارسی، ۱۳۸۱). در ابتدا قرن بیستم با رشد جنبش ها و اندیشه های گوناگون اعم از جنبش زیبا سازی، فوتوریسم، اکسپرسیونیسم، کوبیسم، کونستروکتیویسم و سپس مدرنیسم، تلقی از مفهوم فضای شهری دستخوش دگرگونی شد. از آغاز دهه ۶۰ قرن بیستم تا کنون مفهوم فضای شهری با رجعت به کامپلوسیت، گدس، مامفورد و سایر فرهنگ گرایان و طرفداران آمایش انسانی در شهر که در زنده نگه داشتن مفهوم و اثر فضای شهری خدمت بزرگی کرده بودند، متکی به این استنباط است که: فضای شهری جزئی از ساخت شهر است "که از کلیت هماهنگ و پیوسته برخوردار بوده" و از حیث فیزیکی "دارای بدنه محصور کننده" می باشد. این فضا باید واجد نظم و زیبایی بوده و برای فعالیت های شهر سازمان پیدا کند و هم بخشی از ارگانیسم زنده شهر است که با شرایط اجتماعی و اقتصادی و فنی در حال تغییر مرتبط است.

در برداشت و تلقی از فضا در طول تاریخ معماری، سه مرحله را می توان مطرح کرد. مرحله نخست که نمونه ای آن مصر باستان، سومر و یونان است، فضای معماری با جابه جایی و بازی حجم ها ساخته می شود و به فضای داخلی کم تر توجه شده است. در مرحله دوم، که در نیمه دوم تمدن رومیان آغاز شده، فضای معماری مترادف با فضای محوف شده ای داخل ساختمان است. مرحله سوم، در آغاز قرن بیستم شکل گرفت که با برچیدن دید منفرد پرسپکتیوی که منجر به انقلابی بصری شد، درک و استنباط ما از فضای معماری و شهری، به مثابه ای پذیرفتن و ستایش از کیفیت های ساختمان های منفرد و مجزای ساطع کننده فضا، و همچنین یافتن قرابتی با مرحله نخستین و باستانی درک فضا از نتایج بنیادی این تحول بود. (مدنی پور، ۱۵-۵:۱۳۷۹).

اما تعاریف نقل شده در مورد فضای شهری نیز از منظرهای گوناگون ارائه شده اند که کاملاً وابسته به جهان بینی ارائه کنندگان این تعاریف است. در این جا نمونه هایی از این تعاریف آورده شده اند.

راب کریر درباره ای تعریف مفهوم و فضای شهری چنین می گوید: «اگر بخواهیم مفهوم فضای شهری را بدون تحمیل معیارهای زیباشناختی روشن کنیم، ناگزیریم فضاهای بین ساختمان ها را در شهرها و دیگر مکان ها، فضای شهری قلمداد کنیم. این فضا از نظر هندسی با نمادهای گوناگون محصور می شود. فقط وضوح ویژگی های هندسی و کیفیت های زیباشناختی آن است که به ما اجازه می دهد، آگاهانه فضای باز بیرونی را فضای شهری تلقی کنیم. فضای باز بیرونی به منظور تحرک در هوای آزاد و با تقسیمات عمومی، نیمه عمومی و خصوصی تعریف می شود» (کریر، ۱۵:۱۳۷۵).

زوکرف فضای شهری را ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی برای فعالیت های انسانی و استوار بر قواعد معین و روشن می داند؛ که این قواعد عبارتند از: ارتباط میان شکل و بدنه ای ساختمان های محصور کننده هم شکل و یکدست، با متنوع بودن آن ها، ابعاد مطلق بدنه ها نسبت به پهنا و درازای فضایی که در میان گرفته شده، و زاویه ای گذرها یا خیابان هایی که به میدان می رسند، و سرانجام موقعیت و محل بناهای تاریخی، آب نماها و قواره ها یا عناصر سه بعدی دیگر که می توان بر آن ها تأکید کرد (توسلی، بنیادی).

برونو زوی فضا را ذات معماری می‌داند و از همین تعریف برای فضای شهری پیروی می‌کند و چنین بیان می‌کند: «جایی که خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها، زمین‌های بازی و باغ‌ها همگی فضاهایی خالی‌اند که محدود شده‌اند یا طوری تعریف شده‌اند که فضایی محصور پدید آورند، این همان فضای شهری‌ست.» (مدنی‌پور، ۱۰:۱۳۷۹).

در تعریف دیگری از فضای شهری، چنین آمده است: «فضای شهری به مفهوم صحنه‌ای‌ست که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندند. خیابان‌ها، میدان‌ها و پارک‌های یک شهر فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهند.» (بحرینی: ۳۱۳:۱۳۷۷).

در نهایت تعبیر دیگری نیز می‌تواند از مفهوم فضای شهری ارائه شود و آن مفهوم، در حقیقت ادراکی‌ست که انسان با توجه به جمیع جهات از یک شهر در ذهن خویش دارد. این مفهوم به عنوان هویت معنایی و معنوی و ادراک معنایی و ذهنی انسان از شهر مطرح می‌باشد که مشتمل بر ویژگی‌ها و اتفاقات و فعالیت‌ها و آداب و هنجارهایی‌ست که در کلیت شهر به عنوان یک واحد می‌گذرد. به این ترتیب، مجموعه‌ای از ذهنیات و اتفاقات تاریخی، وقایع اتفاقیه، انتظارات و خاطرات که می‌توانند کلیات فضای شهر را به عنوان یک پدیده تعریف کنند، به نحوی فضاهای جزئی در شهر و یا آنچه را که تاکنون فضای شهری نامیده شده است، تحت تأثیر قرار می‌دهند (نقی‌زاده، ۱۷۲:۱۳۸۶).

بنابراین می‌توان این گونه برداشت کرد که؛ فضای شهری آن دسته از فضاهای عمومی داخل شهر و عرصه بیرونی فضای معماری است که دارای ویژگی‌های خاص کالبدی و برتری‌های زیباشناختی نسبت به سایر فضاها باشد و بستری برای تبلور عینی و ملموس تعاملات اجتماعی و ارتباطات رو در روی مردم فراهم آورد و عموم مردم بتوانند به آن دسترسی فیزیکی و بصری، در تمام اوقات و ایام سال و به طور رایگان داشته باشند<sup>۴</sup>.

## مکان شهری و تفاوت آن با فضای شهری

در حالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی از فضا است که به وسیله‌ی شخصی یا چیزی اشغال شده است و واجد بار معنایی و ارزشی است (مدنی‌پور، ۳۲، ۱۳۸۴). مکان مرکز «ارزش محسوس» است، همراه با امنیت و پایداری که در آن نیازهای زیست‌شناختی برآورده می‌شود. هویت یک مکان آمیزه‌ای خاص است از روابط اجتماعی و بدین علت، همواره «بدون ثبات، مجادله‌ای و چندگانه» می‌شود (مدنی‌پور، ۳۳، ۱۳۸۴). به عبارتی دیگر و چنانکه تا کنون در میان طراحان شهری مرسوم بوده است، مکان تکامل یافته‌ی فضا است. یک فضای خام، تبدیل به مکانی سرشار از معنا و اشاره می‌شود و با منطقی‌حسی و معین، مکان به عنوان جزو کوچکتری می‌شود که با مداخله‌ی انسانی تغییر کرده و مفهومی خاص یافته است (Relph 1976). رسالت معماری و شهرسازی را می‌توان در این موضوع دانست که فضای خام را به مکان تبدیل می‌کند که به مفهوم بالفعل سازی محتوای بالقوه محیط می‌باشد (شولتز، ۴۵، ۱۳۸۰). فضای شهری را می‌توان مکانی دانست که در آن نیروهای گوناگون به گفته‌گو می‌پردازند. بنا براین، ممکن است حوزه‌ای شامل تعریف مکان باشد ولی فضای شهری را پوشش ندهد و برعکس. اگر حوزه‌ای بخواهد فضای شهری باشد هم باید مکان باشد و هم محل گفت و گو و تعامل نیروها. بسیاری از فضاهای کنونی شهرها حتی مکان شهری نشده‌اند و هنوز فاصله زیادی تا فضای شهری دارند.

## نیروهای موثر بر تحولات شهری

عوامل و نیروهای مختلفی در تحول و تغییر شکل کالبدی شهرها موثر هستند در صورتی که شهر، متشکل از ساخت اصلی و ساخت غیر اصلی فرض شود (بذرگر، ۱۳۸۲). هر دو بخش تحت تاثیر عواملی چون شرایط طبیعی و اقلیمی، نیروهای اقتصادی و مالی نیروهای سیاسی و مدیریتی و نیروهای اجتماعی و فرهنگی دچار تحول و تطور می‌گردند. بدیهی است هدایت تحولات شهر در قالب اجرای طرح‌های توسعه‌ی شهری، نیازمند دانش کافی از چگونگی تاثیر این عوامل در تولید فضاهای شهری است. نیروهای اجتماعی و فرهنگی مجموعه موازین و هنجارهای نهادین جامعه است که به واسطه ارزش‌ها از قدرت و نیروی لازم برای به هنجار

کردن مردم بر خوردار است. لذا کلیه رسوم، آداب اجتماعی، سنن، تشریفات مناسک، قوانین، مقررات، اخلاقات، دانش های عامه، آگاهی ها، شیوه های قومی و ارزش های ناظر بر آنها جز نیروهای اجتماعی \_ فرهنگی هستند. این عناصر که از کارکرد های منظم نهادها هستند، هم دارای جنبه ی عمومی اند و هم می توانند گروهی و طبقاتی باشند. نیروهای اجتماعی \_ فرهنگی را نباید با مصادیق و عاملین نیرو یعنی افراد و گروه ها یکی کرد. بسیاری از متفکران مانند هاروی با تاکید بر جنبه ی طبقاتی جامعه، ایدئولوژی طبقاتی را نیروی اصلی می داند و اشکال فضایی را بیان ایدئولوژی طبقاتی بشمار می آورند، در حالی که افرادی مانند گیدنز نهادها را عامل و نیروی اساسی می دانند. به هرصورت، ایدئولوژی به عنوان مجموعه اندیشه ها و اصول به هم پیوسته حقوقی، اقتصادی، دینی، اجتماعی و سیاسی مدون و نهاد به عنوان الگوی فعالیت ها که مجموعه ای از آداب و موازین، آنها را در بر گرفته، جوانب تعریف فوق اند.

نیروی اجتماعی و فرهنگی بر حسب محتوای درونی سه کارکرد دارد: اول به عنوان مضمون دوران، دوم به عنوان عامل تعیین کننده نظام فعالیت و سوم به عنوان عامل تعیین کننده پایداری فضا.

نیروی اجتماعی و فرهنگی در مقیاس تاریخی و جهانی با شکل بوم شناختی جوامع رابطه ای مستقیم وجود دارد.

در سر آغاز قرن بیست و یکم جهان ما به تدریج به عصری پا می گذارد که مضمون تاریخی \_ اجتماعی جدیدی را به ارمغان می آورد که ترکیب توده \_ فضا و محتوای فضای شهری عصری قاطع دارد. کثرت گرایی، مشارکت فعال و همه جانبه مردم، قانون گرایی، عقلانیت، مردم سالاری و توجه به استعداد افراد جامعه و خود باوری و مانند آن مضمون واقعی این نیروهاست و تشکل فضای شهری عمیقاً از آن تاثیر می پذیرد و در آن موثر می افتد. فضای شهری بستر آن زندگی عمومی و اجتماعی جامعه است که در فرایند تحویل زندگی زیستی \_ اجتماعی به یک زندگی اجتماعی و روان شناختی، به واسطه بن مایه های خرد گرایانه مشارکت آگاهانه و فعالانه نظری و عملی، واجد کیفیتی عالی از ارزش های انسانی ومدنی شده است.

این کیفیت که چیزی جز مدنیت و حیات مدنی جامعه نیست، به این ترتیب، عنصر ذاتی محتوای فضای شهری است و روابط انسان ها و فعالیت های شهری را متاثر می سازد. در بازشناسی مفهوم حیاتی مدنی به عنوان عنصر پایدار فضای شهری، این مفهوم معطوف به مجموعه پوشش ها، گرایش ها و نگرش هایی است که بر پایه ی عقلانیت جمعی، باورهای مردم سالاری، خود باوری، خرد گرایی و قانون گرایی است. به عبارتی، اگر بپذیریم که تمدن همان پیشرفت هایی است که با رشد زندگی شهر نشینی و شهر گرایی پدید آمده است. چون رشد شهر گرایی متضمن عقلانیت جمعی در رفتار انسانها، کثرت گرایی، قانون گرایی، رعایت قانون دیگران و در یک کلام معطوف به حیات مدنی و چون هیچ فضا عرصه ای از عرصه های عمومی شهر عرصه ای بهتر از فضای شهری برای حیاط مدنی و عناصر آن ندارد. بنا بر این فضای شهری نوعی فضای عمومی است که کانون بستر بروز حیات مدنی و شهر گرایی است.

از سویی دیگر، از آنجا که حیات مدنی مجموعه ای از نگرش ها و گرایش هایی است مبین باور های عالی و مشترک عالی و مشترک جماعت است و آنها از طریق نظام نمادین انتقال میابد و نماد عنصر فرم دهنده که عامل تداوم باورها و ارزش های جمعی و مدنی مردم و حاوی میراث فرهنگی تاریخی جامعه است و ارز این روست که فضای شهری به واسطه این محتوا مرکز نمادین پایداری ارزش های مردمی است که به بیان قدرت خویش می پردازند و آن را در فضای متبلور می سازند. به این ترتیب محتوای فضای شهری متضمن دو بخش پایدار و متغییر که با یکدیگر پیوند متبلور و این یک پایداری دیگری یاری می رساند فرم دهنده فضاست و مساله جدایی فرم از محتوا تنها به اتکای آن قابل حل است. بنا بر این تا زمانی که روحیه دمتراژیک و مدنی در نظام فعالیت ها و آمیختگی روابط انسانی در فضاها ی عمومی تبلور نیابد و مردم فرصتی برای بیان خویش در فضا نیابند ° به رغم جوانب زیبا شناختی ° هنوز فضای شهری خلق نشده است زیرا فرم فضا نیز صورت خارجی و تجلی نگرش ها و باور های عالی و مدنی انسان هاست و می تواند قالب هندسی خاصی نداشته باشد.

## پویش شهر نشینی شهرگرایی

فرآیندهای توسعه شهری و شهر نشینی به عنوان پویایی جهانی و شیوه معینی از زندگی بر وضع نهادهای موثر و تحولی عظیم در ایجاد کرده است لذا درک فرایند و الگوی نظام فعالیت ها در عرصه فضاهای شهری بدون ملاحظه روند شهرنشینی ممکن نیست. به هر صورت از آن جا که پویش شهر نشینی مستقیماً بر وضع نهادها و به تبع آن نظام فعالیت ها موثر است با تحول و گسترش شهر نشینی غالباً الگوی فعالیت تغییر یافته و قضا تجدید ساخت می یابد. فرایند توسعه شهر نشینی و افزایش جمعیت شهر نشینی غالباً شیوه زندگی متناسب خود را طلب میکند. لذا مجموعه ای از نگارش ها، موازین، اندیشه ها، هنجارها و ارزش ها و مانند آن را در روابط انسان ها توسعه می دهد. که به نام شهریت یا مدنیت ویا حیات مدنی در فرهنگ شهری انسان ها جایگاه ویژه ای دارند لذا با توسعه شهر گرایی به عنوان شیوه ی از زندگی عنصر حیات مدنی در فرهنگ شهری توسعه می یابد بنابراین این پویش شهر نشینی و شهر گرایی از مهمترین عوامل موثر در محتوای فضای شهری به شمار می آید.

## زیبایی شناسی و فلسفه آن

در خصوص زیبایی تا کنون تعاریف بسیاری ارائه شده است. نکته ای که به عنوان وجه مشترک در تعاریف زیبایی، می توان مطرح کرد جاذبه است. به نظر استاد مطهری «آن جا که زیبایی وجود پیدا می کند یک نیروی جاذبه ای هم هست. آنجا که زیبایی وجود دارد، عشق و طلب هم وجود دارد. آنجا که زیبایی هست حرکت و جنبش هم هست و خود زیبایی موجد حرکت و جنبش است» (خرقانی، ۱۳۸۷: ۳۴).

«زیبایی از طرفی جزء حقایقی است که قابل درک است و از طرف دیگر با احساسات آدمی در ارتباط است، آن گاه که زیبایی درک شد انسان (یا هر موجودی) به طرف آن کشیده می شود. انسان مفتون و مجذوب زیبایی است و طبیعت وی بر چنین گرایشی سرشته شده است» (توسلی و بنیادی، ۱۳۸۶: ۳۵).

اصطلاح زیبایی شناسی یا استه تیک (Aesthetics) از یک واژه یونانی گرفته شده که ادراک حسی معنا می دهد. به عنوان مقدمه ای برای بررسی زیبایی شناسی طراحی شهری لازم است که به برخی از اصول فلسفی زیبایی شناسی، که به طور کلی مورد قبول قرار گرفته، اشاره شود. ادراک زیبایی، تا حدود زیادی یک امر ذهنی تلقی می شود. یعنی اینکه زیبایی، کیفیت یک پدیده عینی و مستقل از ادراک کننده آن نیست، بلکه ارزشی است که از سوی فرد دریابنده به یک وجود عینی مثل یک منظره طبیعی، یک بنا، یک پرده نقاشی، یک شعر و یا یک آهنگ موسیقی افزوده می شود. بنابراین، اینکه چه چیزی زیبا و چه چیزی زشت است، به عقیده فرد بستگی دارد. اما مشابهت های عقل انسانی و گرایش مردمانی با تمدن واحد و اصول آموزشی یکسان به تفکری همانند، که به داوری زیباشناختی یکسان و اتفاق نظر می انجامد، موجب شده که برخی از فیلسوفان قابل به عینیت زیبایی شوند. این امر چنانکه خواهد آمد، اهمیت زیادی برای طراحان شهری دارد.

اساس طراحی شهری و سیمای آینده شهرها، متکی به اعتبار آن دسته از معیارهای زیباشناختی است که مقبولیت عام دارد. هنرهای بصری، یعنی معماری، مجسمه سازی و نقاشی، دارای کیفیت یا خصلتی است که با یک انگیزش حسی، معنایی یا زیباشناختی همراه است. به نحوی که باعث برانگیختن احساسات در بیننده می شود. همین خاصیت اثر هنری است که انگیزش زیباشناختی را به میزان زیادتر در میان کسانی پدید می آورد که تجربه بیشتری از آن دارند و در نتیجه منجر به پیدایش معیارهای ذوق می گردد.

با توجه به وجود جاذبه و بدیهی بودن آن، شاخص هایی از قبیل هدفمندی، وحدت، تناسب و توازن، تنوع، پیراستگی از عیوب، تعادل و اثرگذاری به عنوان عوامل تاثیر گذار بر زیبایی شناسی فضاهای شهری شناخته شده اند (نقی زاده و همکاران، ۱۳۹۲).

جدول ۱- ارتباط اصول تدوین شده در طراحی فضای شهری

اصول	ارتباط اصول تدوین شده در طراحی فضای شهری	رهنمودهای طراحی
هدف‌مندی	یاد خدا اصلی‌ترین هدف در فرآیند طراحی فضای شهری	- وجود عناصر آگاهی‌دهنده در دو بعد کالبدی و محتوای فضای شهری در جهت شناخت نیازهای انسان، ارزش‌های جامعه، جهان‌بینی حاکم بر جامعه، فرهنگ و ...
وحدت	ایجاد پیوند عمیق بین کالبد و محتوا و عناصر سازنده فضای شهری	- با تعیین نظام فضایی مشخص، منسجم و پیوسته - با ایجاد ارتباط میان اجزای سازنده و ارتباط میان جزء و کل اجرا - با ایجاد سازگاری کامل بین اجزای سازنده فضای شهری
تناسب و توازن	تناسب بین اجزای تشکیل‌دهنده فضای شهری، تناسب بین اجرا و کلیت فضا و تناسب بین بدیده با موضوع فضای شهری	- توجه به مقیاس انسانی - توجه به نسبت ابعاد طول به عرض، عرض به ارتفاع و ... - توجه به رابطه و موقعیت عناصر فضا نسبت به یکدیگر
تنوع	توجه به نیازهای متنوع انسان توجه به شرایط فرهنگی و اقلیمی	- تخصیص عملکردهای متنوع با توجه به نیازهای ساکنان - طراحی جداره پیوسته لیکن با فرم‌های متنوع - استفاده از عناصر طبیعی (آب، درخت، گیاهان و ...)
پیراستگی از عیوب	بری از هرگونه عیب و نقص (به معنای واقعی در باطن و ظاهر) و در هر مرحله از طراحی فضای شهری	- نبود عملکردهایی مغایر با ارزش‌ها جامعه - نبود کاربری‌های ناسازگار
تعادل	تعادل به عنوان بنیاد و اساس زیبایی از جمله شکل دادن فضای شهری و به معنای قرار دادن هر شیء یا اجزای فضای شهری که بهتر از آن متصور نباشد.	- تعادل در کلیت فضا، تناسب حجمی و در همه اجزای سازنده - تعادل در نسبت ارتفاع بدنه‌ها
اثرگذار معنوی	به واسطه حضور برخی عناصر انسان را در ضمن متذکر شدن به یاد خدا، او را از تک بعدی شدن و از تمرکز بر یک عالم برهانند.	- استفاده از عنصر نشانه‌ای، یادبودها، نمادها با توجه به ارزش‌های جامعه

ماخذ: نقی زاده و همکاران، ۱۳۹۲

هیوم<sup>۱</sup> که اصطلاح شور (Sentiment) را برای بیان عواطف زیباشناختی حاصل از یک شیء به کار برده، کوشیده است که معیارهای عامی برای ذوق به دست آورد. او در کتاب مقالات اخلاقی، سیاسی و ادبی خود به «الگوها و اصولی» اشاره می‌کند که «از طریق توافق و تجربه مشابه ملل در طول قرون و اعصار رواج یافته است». او همچنین از پیشداوری‌هایی سخن می‌گوید که حس زیبادوستی ما را تباہ می‌سازد و یادآوری می‌کند که کسانی که نمی‌توانند عقیده خود را با معیارهای رایج انطباق دهند، بدذوق محسوب می‌شوند.

کانت<sup>۲</sup> در کتاب نقد داوری زیباشناختی، زیبا را به عنوان چیزی تعریف می‌کند که «جدا از هر مفهومی لذت و خرسندی به وجود می‌آورد». وی از یک اتفاق نظر عمومی بحث می‌کند که آن را «اعتبار عام ذهنی» می‌خواند. کانت در همین کتاب ارزش‌های زیباشناختی را با ارزش‌های اخلاقی مرتبط می‌سازد و چنین نظر می‌دهد که برخی الزام‌های اخلاقی برای دوست داشتن چیزهای زیبا، که تحسین همگان را برانگیخته‌اند، وجود دارد. اگر کانت و هیوم در قرن بیستم، با این همه اختلاف نظر، زندگی می‌کردند، تردید بیشتری از خود، در ارائه معیارهای زیباشناختی مورد قبول عام، نشان می‌دادند.

ساموئل الکساندر<sup>۳</sup> در کتابی به نام زیبایی و اشکال دیگر ارزش (لندن- ۱۹۳۹) راهی مشابه را دنبال کرده است. او دلایلی برای خصلت غیرشخصی بودن ارزش زیباشناختی و نیز معیاری برای داوری زیباشناختی مطرح می‌سازد. وی می‌نویسد: «داوران ارزش زیباشناختی کسانی هستند که احساس و انگیزه زیباشناختی آنان را ارضا می‌کند و زیبا چیزی است که این داوران را راضی می‌سازد. معیار حس زیباشناختی متعلق به اشخاص صاحب صلاحیت است و کسانی صلاحیت دارند، که واجد معیار حس زیباشناختی هستند. این معیار نیز در هیچ فرد واحدی ظاهر نمی‌گردد، مگر تا زمانی که به عنوان مظهر پذیرفته شود».

این سه فیلسوف و طرفداران آنان، تا حدی مورد پذیرش جامعه قرار گرفته و در قانونگذاری اندکی، که در جامعه نوین به نفع علایق زیباشناختی صورت گرفته، تأثیر کرده است. نکته مهم این است که اگر وضع ضوابط و قانونگذاری در زمینه طراحی شهری موجه باشد، لازم است که اساس فلسفی معیارهای زیباشناختی، به طور مرتب مورد بازبینی و واریسی قرار گیرد.

ارزش‌های زیباشناختی را می‌توان برطبق آرای هاچسن، کامس و کانت به دو گروه نخستین و دومین تقسیم کرد. هاچسن در کتاب تحقیق درباره منشأ زیبایی و فضیلت از زیبایی اصیل یا مطلق و زیبایی نسبی یا تطبیقی سخن می‌گوید. کامس در رساله مبادی نقد از زیبایی ذاتی دریافت و ادراک محیط دارای سه مرحله است، در نخستین مرحله، الگوی مجرد دو بعدی اشکال رنگین

ادراک می‌گردد. در مرحله دوم احساس سه بعدی در فضا و حجم‌های آن قرار دارد و در مرحله سوم جنبه‌های نمادین مربوط به کارکرد این حجم‌ها یعنی کلیساها، خانه‌ها، ادارات، کارخانه‌ها و مدارس دریافت می‌شود.

جدول شماره ۲: بررسی محتوای فضای شهری و شاخص‌های موثر بر آن

نوع فعالیت	فعالیت‌های انسانی	معیار	عناصر	محتوای فضای شهری
تراکم فعالیت				
تمرکز فعالیت				
مقیاس فعالیت				
زمان فعالیت				
فعالیت‌های رسمی: که در مکانی معین و به ثبت رسیده جریان دارد و به طور پیش‌اندیشیده شده از سوی مسئولین شهر، و طبق مقررات و ضوابط وضعی روشن دارند.	نحوه استقرار فعالیت‌های شهری			
فعالیت‌های غیر رسمی که در فضای عمومی شکل می‌گیرد.				
تنوع بخشیدن به فضا				
ایجاد سرزندگی				
رونق اقتصادی				
حیات مدنی		نسبتا پایدار	عوامل	نیروهای موثر
عقلانیت جمعی	نگرش‌ها بر پایه			
باورهای مردم سالاری				
خودباوری				
خردگرایی				
قانون‌گرایی	عوامل	نیروهای موثر		
نهاده‌ها				
فرهنگ				
پویش‌شهرنشینی و شهرگرایی	نیروهای موثر			
اجتماعی فرهنگی				
فرهنگی				

ماخذ: نگارندگان

## نتیجه‌گیری

خلق فضای شهری مطلوب، پویا و سرزنده، به لحاظ کارکرد اجتماعی، روانی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی-کالبدی آن، یکی از اهداف راهبردی ارتقا کیفیت محیط مصنوع شهری و با راهبردهای اجتماعی پیوند دارد. با توجه به اینکه فضای شهری، بستر گفت‌وگوی نیروهای موثر بر تحولات شهری است بنابراین نقش طراحان شهر در شناسایی این نیروها، مورد تاکید قرار می‌گیرد؛ چرا که خود این نیروها با گذشت زمان تغییر و تحول پیدا کرده و نیروهایی به این فرایند اضافه و کم می‌شوند و نیاز طراحی شهری به دیگر تخصص‌ها، مشخص تر. امروزه، هرچند بافت و ساختار شهرها دگرگونی بسیار یافته‌اند، ولی این نیروهای گوناگون در گوشه و کنار شهرها، زمزمه‌های ایجاد فضای شهری سر میدهند.

از آنجا که حیات مدنی مجموعه‌ای از نگرش‌ها و گرایش‌هایی است که مبین باورهای عالی انسان و مشترک جامعه است و آنها از طریق نظام نمادین جامعه انتقال می‌یابند و نمادها از مهمترین نشانه‌ها و عناصر فرم فضا به شمار می‌آیند لذا نمادها با وجه فرمال خود صورت خارجی حیات مدنی به شمار می‌آیند و فرم فضا را هدایت می‌نمایند. بنابراین در این چارچوب و به وساطت

نمادها بین فرم و محتوا تعارضی نخواهد بود و جدایی جدل آمیز فرم و عملکرد منتفی خواهد بود و عامل مشترک در این بین توجه به زیبایی شناسی شهری است که موجب شادابی و سرزندگی در فضاهای شهری است و در طراحی و برنامه ریزی برای شهر باید مورد توجه قرار گیرد تا به تبع آن ساخت کالبدی برای عموم مردم قابل استفاده باشد. در این شرایط رسالت طراحی شهری آن است که فضاهای شهری را به مکان ارتقا دهد تا در بستر این مکان های معنادار، ارزش های انسانی و اجتماعی امکان بروز یابند و بحران فضای شهری را به کنترل درآورد. سرزندگی به معنای توان و قابلیت فضاهای شهری برای حفظ حیات جهت انجام فعالیت های خرد اقتصادی، اسکان و محیط های اداری می باشد. یک فضای سالم و پویای شهری می تواند یک محیط میزبان مناسب برای عابران پیاده باشد، به طوریکه نیازهای مختلف و کمبودهای فضایی را در فضاهای اصلی شهر برآورده سازد، نه آن که رفع این نیازها را تنها به مناطق مرفه نشین شهر و محلات نوساز حواله کند.

با توجه به نتایج به دست آمده از چارچوب نظری، فضای شهری مطلوب و زیبا نخست باید نیازهای متفاوت انسان را پاسخگو باشد. از دیگر ویژگی های فضای شهری مطلوب و زیبا این است که هر یک از اجزا و عناصر فضای شهری بر اساس ارزش های جامعه، فرهنگ و نیازهای مردم شکل گیرند و با سازگاری و هماهنگی کامل با یکدیگر ترکیب شوند و در بهترین مکان پیش بینی شده، بر روی استخوان بندی فضا شهری قرار گیرند که در نهایت کل واحد حاصل آید.

## پی نوشت

- ۱- David Hume (67-1171) : فیلسوف انگلیسی که در آثار متنوع خود به زیبایی نیز پرداخته است.
- ۲- Immanuel Kant (1724-1804) بنیانگذار فلسفه ایده آلیسم آلمان، که نظراتش درباره زیبایی و جایگاه آن در حیات نفسانی انسان، تأثیر زیادی بر اندیشه زیبایی شناسی و هنری داشته است.
- ۳- Samuel Alexandre (1831-1958) فیلسوف انگلیسی که آثار معروفی در زمینه فلسفه تافیزیک دارد.
- ۴- این تعریف از جمع بندی آرای پاکزاد (۱۳۸۶)، توسلی (۱۳۸۶) و نقی زاده (۱۳۸۹) به دست آمد.

## منابع

- ۱- احمدی، بابک، مدرنیته و اندیشه انتقادی، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۳.
- ۲- بحرینی، حسین، تحلیل فضاهای شهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۳- بحرینی، سید حسین، (۱۳۷۷)، «فرآیند طراحی شهری»، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۴- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر، (۱۳۷۱)، «طراحی فضای شهری»، جلد اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۵- توسلی، محمود و بنیادی، ناصر (۱۳۸۶)، طراحی فضای شهری، انتشارات شهیدی، تهران.
- ۶- حبیبی، محسن، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۳.
- ۷- خرقانی، حسن، (۱۳۸۷) مفاهیم زیبایی شناسی در قرآن، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۸۰.
- ۸- راجرز، ریچارد، عینیت در معماری، ترجمه امیر اعلای عدیلی، انتشارات همام، تهران ۱۳۸۷
- ۹- طغیانی، شیرین، (۱۳۸۸)، مبانی نظری شناخت فضای شهری و مفاهیم مرتبط، ماهنامه دانش نما، شماره ۱۷۱-۱۷۰، تیر - مرداد ۸۸
- ۱۰- قرآن کریم
- ۱۱- کریر، راب، (۱۳۷۵)، «فضای شهری»، ترجمه: خسرو هاشمی نژاد، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۲- کالن، گوردن، گزیده منظر شهری، دکتر طیبیان، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۵
- ۱۳- کریر، راب، مفهوم عناصر تیپولوژیکی فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۵
- ۱۴- گیلبرت، آلن و ... شهرها، فقر و توسعه، ترجمه پرویز کریمی ناصری اداره کل روابط عمومی شهرداری تهران، ۱۳۷۵



۱۵- مدنی پور، علی، (۱۳۷۹)، «طراحی فضای شهری»، ترجمه: فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

۱۶- نقی زاده، محمد، (۱۳۸۶)، «ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی»، اصفهان، سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری اصفهان.

۱۷- نقی زاده، محمد؛ ثقه الاسلامی، عمید الاسلام، بشیری، سعید، (۱۳۹۲) فرآیند طراحی فضای شهری بر مبنای اصول زیبایی شناختی ایرانی اسلامی (نمونه موردی: میدان وحدت اسلامی تهران)، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۱، صص: ۴۱-۵۱.





پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی